

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

اسفند ماه ۱۳۹۰ مارس ۲۰۱۲

شماره ۶۸

www.toufan.org toufan@toufan.org

در این شماره می خوانید:

تحریم فعال نمایش انتخاباتی وظیفه همه کارگران و زحمتکشان آگاه ایران است! ص ۲

به مناسبت سی و سومین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن پنجاه و هفت ص. ۳

پاسخ دندان شکن به یک سلطنت طلب بی شرم ص. ۴

برای متوقف ساختن ماشین جنگی امپریالیسم، باید دلار را به خاک مالید ص ۶

تاکتیک ما در افشاء دسیسه امپریالیستی ص ۷

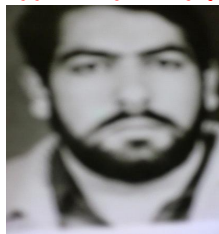


زندانی کردن و شکنجه کارگران، این ستون اصلی انقلاب،

در خدمت امپریالیسم جهانی است ص. ۹

گزارشی از تظاهرات ضد تجاوز و ضد تحریم علیه ایران ص ۱۰

یادی از رفیق یدالله پهلوان کمونیست رزمنده توفانی ص. ۱۲



لاهوئی، شاعر کمونیست و مبارز ایران ص. ۱۲

وتوی روسیه و چین و ناله های آمریکا ص. ۱۲

جنگ سری فرانسه علیه مردم سوریه ص. ۱۵

چلبی های نوکر صفت ایرانی را بشناسید ص. ۱۶

علیرضا نوری زاده، خبرنگار خود فروخته ضد ملی ص. ۱۷

مبارزه طبقاتی در یونان شدت یافته است ص ۱۸

افزایش تسلیحات از ترس کیست؟ ص. ۱۹

نمونه ای از چاقوکش های دولتی مصر ص. ۲۰

ضربات پی در پی بر پیکر اشغالگران در عراق ص. ۲۰

تحریم فعال نمایش انتخاباتی وظیفه همه کارگران و زحمتکشان آگاه ایران است!

چرا انتخابات در جمهوری اسلامی بی معنا و نمایشی است؟

در رژیم ولایت فقیه انسانیت و حقوق انسانی و تفکر و نظر مستقل داشتن اساساً نه تنها به رسمیت شناخته نمی شود بلکه جرم تلقی شده و قابل مجازات است. آنها معتقدند مردم ایران امتی هستند نابالغ و فاقد قدرت تعقل که احتیاج به ولی و قیمی دارد که مصلحت آنها را تشخیص می دهد و امت مسلمان شبیه گله ای میمون است که وظیفه اش تقلید و تابعیت از ولی فقیه است. حاکمیت تئوکراتیک یا دینی ایران معتقد است که مشروعیتش را از قوانین الهی می گیرد و نه از رأی و نظر مردم. آنها می گویند اگر همه مردم نظری داشته باشند که مغایر با موازین شرعی باشد، نظر مردم پیشیزی ارزش ندارد و باید مطابق با قوانین شرعی عمل کرد. مثلاً اگر همه مردم ایران خواستار برابری حقوق زن و مرد باشند چون خواستی است مغایر موازین شرعی، به روی آن خط قرمزی کشیده شده و مطابق قوانین شرعی عمل می گردد. خمینی با صراحت مطرح می کرد که: "مردم مطرح نیستند، این اسلام است که مطرح است." یا بارها توسط مقامات مختلف جمهوری اسلامی و آیات عظام و علما اعلام گردیده که جمهوری اسلامی مشروعیتش را از خدا می گیرد و نه مردم. بنابراین وقتی انسان فاقد اختیار است و فقط می توان در محدوده تعیین شده توسط ولایت فقیه و مطابق با نظر و سلیقه و تفسیر او از قوانین شرعی عمل کند، انتخابات شوخی مسخره ای بیش نیست و نمایشی است به منظور عوام فریبی.

چرا باید نمایش انتخاباتی تحریم شود؟

۱ - انتخابات وقتی مفهوم واقعی دارد که انسان و حقوق انسانی و بلوغ عقلی مردم و مختار بودن آنها به رسمیت شناخته شود.

۲ - انتخابات وقتی مفهوم واقعی دارد که در شرایط وجود آزادی بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات و احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی مردم بتوانند با دیدگاه ها و برنامه های کاندیدها آشنا شوند و آگاهانه به بیانگران واقعی دیدگاه ها و برنامه مورد نظر خود رأی دهند. بنابراین در شرایط دیکتاتوری و خفقان و سرکوب نیروها و احزاب و سازمان های آزادیخواه و مترقی و مردمی و سازمان های صنفی کارگران و زحمتکشان، انتخابات معنی و مفهومی ندارد. ۳ - انتخابات وقتی مفهوم واقعی دارد که مردم بتوانند به کاندیداهایی که بیانگر خواست ها و منافع طبقاتیشان هستند، رأی دهند؛ ولی در جمهوری اسلامی فقط می توان به سرمایه داران مافیائی ذوب شده در ولایت فقیه که از فیلترهای متعدد سرسپردگی و چاکر منشی و بی شخصیتی گذشته اند، رأی داد.

۴ - در شرایطی که احزاب و سازمان های ملی و مترقی و مردمی همگی سرکوب و رهبران و کادرها و اعضا آنها به جوخه های اعدام سپرده شده اند و هزاران نفر از آنها متحمل شکنجه و زندان و آوارگی و بیکاری و مصیبت شده و فعالین تشکل های مستقل کارگری نظیر سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی و نیشکر هفت تپه به زندان و شکنجه محکوم شدند، چگونه کارگران و زحمتکشان می توانند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند.

۵ - انتخابات برای کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی و مردمی وقتی مفهوم واقعی داشت که می توانستند کارگران و روشنفکرانی را که بیان کننده خواست ها و منافع طبقاتیشان هستند مانند منصور اسالوها و مددی ها و شهابی ها و نجاتی ها و زرافشان ها و رئیس داناها را انتخاب کنند، نه این که مجبور باشند از میان مشتکی دزد سرمایه دار مافیائی به کسی که دشمن طبقاتیشان است رأی دهند.

۶ - انتخابات وقتی مفهوم واقعی داشت که کارگران و زحمتکشان شهر و روستا که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می دهند بتوانند اکثریت نمایندگان را در مجلس داشته باشند نه این که همه کاندیدهای تائید شده شورای نگهبان ولایت فقیه دشمنان طبقاتیشان باشند.

بنابراین هر کسی که خودش را انسانی بالغ و عاقل و دارای قدرت تشخیص و مختار می داند و برای خود و دیدگاه ها و شخصیت خود احترام قائل است تن به این حقارت و ذلت و پستی کرنش و تمکین به استبداد ولایت فقیه نمی دهد. برای کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز و روشنفکران مترقی و مردمی، تنها عدم شرکت در خیمه شب بازی انتخابات کافی نیست بلکه باید فعالانه از این فرصت برای روشنگری و افشاگری هر چه بیشتر چهره کزیه استبداد ولایت فقیه و سازماندهی حول آن بهره مند شد.

تحریم انتخابات و دشمنان مردم ایران

انتخابات فرمایشی نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می گردد که امپریالیست ها و در رأس آن امپریالیست آمریکا با اشاره به فناوری هسته ای ایران و دلایل مضحک و غلو آمیز درمورد خطر اتمی ایران به تحریک و توطئه علیه مردم ایران ادامه می دهند. این تحریم ها علیه مردم ایران است و باید در مقابل آن ایستاد. تحریم اقتصادی علیه ایران نقض آشکار حقوق بشر است. عفریت جنگ و تجاوز امپریالیستی و صهیونیستی مردم ایران را تهدید می کند و از همین رو بر نیروهای آگاه و انقلابی میهن ماست که هوشیارانه عمل کنند، ضمن دعوت از کارگران و زحمتکشان به صحنه کارزار تحریم انتخابات مجلس شورای اسلامی بر پیوند مبارزه دموکراتیک با پیکار علیه تحریم ها و تهدید به تجاوز نظامی به ایران تأکید نمایند. تنها با اتخاذ چنین سیاستی است که می توان در عرصه های متنوع مبارزه سیاسی و افشای کاربدستان جمهوری اسلامی مچ اپوزیسیون ارتجاعی و نوکران امپریالیسم و صهیونیسم را نیز گرفت و به

طردشان کمر همت بست. سیاست تحریم و تهدید نظامی در قبال ایران نه تنها رژیم جمهوری اسلامی را تضعیف نمی کند بلکه دست وی را نیز در تشدید خفقان سیاسی و سرکوب جنبش آزادیخواهانه مردم ایران باز می گذارد. تحریم کنندگان اقتصادی ایران، همدستان جمهوری اسلامی علیه مردم ایرانند و باید محکوم گردند.

پیش به سوی تحریم فعال انتخابات فرمایشی نهمین دوره مجلس شورای اسلامی!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ماه هزار و سیصد و نود خورشیدی

به مناسبت سی و سومین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن پنجاه و هفت



بار دیگر سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ که بساط ننگین خاندان پهلوی را درهم کوبید، فرامی رسد. سالگرد انقلابی که نه به خاطر اسلام بلکه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود. مردم ایران به صورت میلیونی به خیابانها ریختند تا به این آرزوهای خود تحقق بخشند. انگیزه جانفشانی مردم، زندگی بهتر در این دنیا و نه آسایش در بهشت دروغین روحانیت اسلامی در ایران بود. زمان لازم بود تا مضمون واقعی این انقلاب گل کند و آن چه در ریشه جنبش نهفته بود بیرون زند. اسلام شکست خود را در مصاف با آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تجربه می کند. روحانیت مرتجع همراه با سلطنت طلبان طلبکار و بی شرم که مدعی بودند و هستند که در ایران هم دموکراسی و آزادی وجود داشته و هم استقلال و عدالت اجتماعی، فوراً ماهیت این انقلاب را اسلامی ارزیابی کرده و نام انقلاب اسلامی را بر آن نهادند. تا چنین جلوه دهند که مردم برای تحفه های نظیر اسلام، انقلاب کرده بودند. مردم می خواستند در سرنوشت خود نقش داشته باشند و نه این که شاه شاهان به عنوان یک دیکتاتور و مستبد دیوانه و نوکر امپریالیسم برای آنها طریقت زندگی تعیین کند و اگر به خواست وی مبنی بر شرکت در حزب رستخیز تن ندادند که آنها را از خانه و کاشانه خود بیرون کند. انقلاب مردم ایران به این بختک آریامهری پایان داد و بر گور سلطنت و تمام اعوان و انصار خارجه نشین شادی کرد و پایکوبی نمود. مردم بهار آزادی را جشن گرفتند. اما شاهان جدید که بر تخت سلطنت محمدرضا شاه نشستند نیز برای نظر مردم ارزشی قائل نبودند، برای آنها سرنوشت مردم نزد خدا رقم زده می شد و این مأموران الهی در روی زمین باید دستورات خدا را که در کتاب آسمانی به عربی نوشته شده بود اجرا می کردند. روح الله به جای ظل الله نشست. در حکومت مکتبی، نیز این مذهب بود که وسیله سلطه سیاسی ملاها قرار گرفته بود و به تدریج روشن شد که برای طبقه سرمایه داری تجاری که بر قدرت نشسته است اساس، همان حفظ قدرت به هر قیمت است و مذهب فقط ابزاری در دست وی برای تداوم استبداد وی می باشد. جمهوریت با استبداد مذهبی از همان آغاز انقلاب در تناقض اساسی قرار داشت و اگر برملا نمی شد تضادهای طبقاتی در جامعه به رشد امروز خود نرسیده بود. جمهوریت دستاورد انقلاب مردم ایران بود و ولایت فقیه و حکومت مذهبی پیرایه ای بود که بر تن آن کردند. رژیم جمهوری اسلامی در این کلاف سردرگم گیر کرده است و اکنون ولایت مطلقه سیاه فقیه و به تبع آن حکومت شمشیر و خون مذهبی است که باید جای خود را به یک حکومت دموکراتیک و جمهوری مردمی بدهد. تاریخ ایران در این جهت پیش می رود.

نقل از صفحه فیسبوک توفان

سخن هفته

۲۲ بهمن ۱۳۹۰

پاسخ دندان شکن به یک سلطنت طلب بی شرم

دستچینی از گفتگو در فیس بوک

در فیس بوک عناصری پیدا می شوند که در پوشش تصاویر جعلی به کارزاری در دفاع از ارتجاع و امپریالیسم و صهیونیسم مشغولند. شغل شریفشان ایجاد فضای ارباب و دشمنی با انقلاب مردم ایران است. مطلب زیر دستچینی از جدلی است که به مناسبت سی و سومین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ در صفحه فیس بوک توفان درگرفت و ما گوشه‌ای از این بحث را جهت اطلاع خوانندگان گرامی توفان الکترونیکی در نشریه انعکاس می دهیم.

این سلطنت طلب نقابدار حملاتش را به مقاله حزب کار ایران (توفان) به مناسبت سی و سومین سالگرد انقلاب بهمن چنین آغاز می کند: "جداً شرم آورده بعد از گذر ۳۳ سال از انقلاب ننگینی دفاع کنید که سه نسل را به خاک تباہی کشاند. زندگی من و نسل من را نابود کردید...."

این آقا مرتب "از نسل من" سخن می گوید تا در خواننده این تداعی شود که وی یک جوان بعد از انقلاب است که از انقلاب بیزار است و به شمانت نسل قدیم می پردازد، که چرا انقلاب کرد و شاه و رژیمش را برانداخت... وی همانند دیگر دوستانش مرتب از زبان نسل جدید به نسل انقلابی قدیم پارس می کند و به نکوهش انقلاب می پردازد و هر اندازه بحث بیشتر عمق می یابد دُم خروس بیرون می زند و بی پرده همان سخنان پرویز ثابتی مدیر اطلاعات ساواک شاه که اخیراً با انتشار کتابی به انکار شکنجه در زندان‌های دوران سلطنت منفور پهلوی پرداخته است، تکرار می کند. این آقای سلطنت طلب بیش‌تر قتل صمد بهرنگی را منکر می شود، قتل غلامرضا تختی را خودکشی جلوه می دهد، شاه را مستقل و ملی و علت سرنگونی وی را توطئه آمریکا و انگلیس به خاطر پیشگیری از ابرقدرت شدن رژیم پهلوی ارزیابی می کند، در رژیم گذشته آزادی و رفاه وجود داشت و دلیل انقلاب این چیزها نبود، بلکه توطئه‌ای صورت گرفت و مردم در این دام افتادند و چپ‌ها نیز مقصرند و به مردم خیانت کردند و باید حساب پس دهند. این آقای جوان که نقش هنرپیشگی را خوب ایفا می کند می گوید: "امروز نباید به گذشته برگردیم بلکه باید همگی در جهت برقراری یک حکومت سکولار حرکت کنیم و نوع و شکل حکومت را به مردم و انتخابات آینده بسپاریم..."

مطلب زیر پاسخ رفقای حزبی به این لا‌طلانات است:

« دوست عزیز، انقلاب بهمن برای نان، آزادی، حقوق دموکراتیک و استقلال بود و نه اسلام. و این انقلاب ادامه انقلاب مشروطه و نهضت ملی کردن صنعت نفت و... بود. مردم برای آزادی و علیه اختناق سیاسی به میدان آمدند و حمله به دفتر حزب رستاخیز و ساواک بیانگر همین امر است. کتاب خواندن و تفکر چپ و عدالت جویانه جرم محسوب می شد. خواندن کتاب ماهی سیاه کوچولو جرم محسوب می شد. صمد بهرنگی را به همین خاطر کشتند... زیرا افکار ممنوعه داشت.

در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب تومار رژیم سلطنت را در هم نوردید و یک رژیم دزد، غارتگر، مستبد و نوکر امپریالیسم و صهیونیسم را از ایران اخراج کرد. در ایران روز فرار شاه را میلیون‌ها مردم ایران با پایکوبی جشن گرفتند و این روز روز همه‌پرسی از مردم ایران برای انقراض سلطنت بود. ضد انقلاب مغلوب ایران ضد دموکرات و مستبد و ریاکار باقی مانده است و فکر می کند با جعل تاریخ به مدد مثنی روشنفکر خود فروخته قادر است مسیر تاریخ ایران را عوض کند. مبارزات مردم ایران علیه رژیم اسلامی ادامه دارد و مردم برای تحقق مطالبات دموکراتیک انقلابات مشروطه و بهمن و تکامل آن آرام نخواهند گرفت. انقلاب نباید با نتایج آن تعریف گردد، در این صورت باید بسیاری از انقلابات بزرگ شکست خورده کارگری را به زیر علامت سؤال برد که چنین برخوردی غیر علمی و ناصواب است.

رژیم شاه صمد بهرنگی را کشت. غلامرضا تختی را هم کشت. فقط مثنی توابع سیاسی که به ضد انقلاب پیوستند مدافع نظریه خودکشی غلامرضا تختی و غرق شدن صمد در رودخانه هستند. طبیعی است که شما آقای ایرانی از ضد انقلاب و امثال میرفطروس‌ها این حامیان ارتجاع پهلوی و امپریالیسم دفاع کنید. برخورد هیستریک و شعبان بیمخ گونه هواداران نیم پهلوی بی تاج و تخت ناشی از زخم و درد نیست که انقلاب شکوهمند بهمن بر آنها وارد ساخت. انقلاب همین است. اشک شاه، در خفت و سرشکستگی در گورستان مصر دفن شدن و زوزه ضد انقلاب مغلوب ناشی از ضربه انقلاب بر پیکر مزدوران خود فروخته دربار پهلوی است. ما از انقلاب دفاع می کنیم انقلاب، هندوانه به شرط چاقو نیست، بلکه برآمد عمومی مردم برای تحولات مثبت و کیفی در جامعه است. ماهیت رهبری سیاسی آن برای تحقق خواسته‌های انقلاب تعیین کننده است. علت حضور نیرومند روحانیت در رأس انقلاب و توهم مردم را باید در استبداد و اختناق ۵۰ سال حکومت ضد کمونیستی و ضد مردمی رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی تحلیل کرد. انقلاب خارج از خواست این و یا آن فرد آغاز شد. وظیفه نیروهای آگاه شرکت فعال در آن و برای آگاه کردن مردم و حفظ دست آوردهای آن بود. با ندبه و یأس و پشیمانی نمی توان به پیشروی ادامه داد. باید آموخت که انقلاب کار مردم میلیونی است و بدون رهبری دانا و آگاه کمونیستی به نتایج نهایی نخواهد رسید.

البته ما عصبانیت و فحاشی آقای مزدوشت ایرانی را درک می‌کنم، ایشان از رژیم عامل کودتا و پوسیده پهلوی، سرسپرده آمریکا و ضد انقلاب دفاع می‌کند. اما با عصبانیت و برخوردهای شعبان بیمی نمی‌توان به جنگ واقعیات رفت و مشکلی را حل کرد. انقلاب روز جشن ستمدیدگان و روز عزای ستمگران است. ما از انقلاب دفاع می‌کنیم. مشتی عوامفریب پیدا شده‌اند که "بیطرفانه" می‌گویند ما هوادار نظر مردم هستیم، ما قیم مردم نیستیم، ما نمی‌خواهیم برای مردم تعیین تکلیف کنیم و بگوئیم که سلطنت را انتخاب کنند و یا جمهوری را. هر چه مردم بگویند ما آن کار را می‌کنیم.

ما از این عوامفریبان ظاهراً دنباله رو می‌پرسیم آقایان! نظر مستقل خود شما چیست؟، خود شما مبلغ و توصیه‌گر کدام نوع حکومت هستید و آن را برای مردم تبلیغ می‌کنید؟، مگر شما قیم سلطنت طلبان هستید که وکالت آنها را به عهده گرفته‌اید، مگر سلطنت طلبان خودشان زبان ندارند که مشتی نادان "دموکرات" را به جلوی گاری خود بسته‌اند؟ شما حضرات که مدعی هستید به اراده شهروندان جامعه احترام می‌گذارید اعتراف کنید هوادار نظام سلطنتی هستید یا هوادار جمهوری؟ شما کدام یک از این خواست‌ها را و با کدام استدلال تبلیغ می‌کنید و برای جامعه ایران مفید می‌دانید. ما از شما می‌پرسیم از چه موقع آزادی بیان در نفی سلطنت طفیلی و منفور و زنگار گرفته از نظر تاریخی ادعای قیومیت برای مردم است. از چه موقع نام سانسور را دموکراسی گذارده‌اند. به هر صورت قبل از انتخابات باید نظریات موافق و مخالف گفته شود و استدلالات به مردم که در اکثریت خودشان به علت گرفتاری‌های روزمره فرصت ندارند که پیگیرانه و عمیق با تحلیل‌های سیاسی مشغول شوند ارائه گردد. شما آقایانی که به چهره خویش نقاب دموکراسی زده‌اید، خود شما هوادار چگونه نظامی هستید؟ چه چیز را می‌خواهید برای مردم تبلیغ کنید. اگر شما جمهوری خواه واقعی هستید بهتر است سنگ جمهوری و نه سنگ سلطنت را به سینه بزنید و برای سلطنت طلبان منفور بنام دموکراسی دل نسوزانید.

بار دیگر به این سلطنت طلبان مزدور می‌گوئیم که به رأی مردم ایران در روز تاریخی ۲۵ مرداد سال ۱۳۳۲ و ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ گردن نهید. سلطنت مُرد و قابل برگشت نیست.

البته این سلطنت طلبان کلاش که برای آرایش سلطنت به یاد دموکراسی افتاده‌اند به خوبی واقفند که نه رضا خان قلدر دموکرات بود و نه فرزند خُلفش محمد رضا شاه دموکرات بود. ولی این آقایان یک شبه "دموکرات"، هم از دیکتاتوری رضا خان و هم از دیکتاتوری فرزندش حمایت می‌کنند و درجه بیشرمی را تا به جایی می‌رسانند که دیکتاتوری و استبداد رضا خانی را که زمینخواریش ماوراء هر قانون بود و نفت ایران را دو دستی برای ۶۰ سال تقدیم امپریالیست انگلستان کرد و قرارداد استعماری "دارسی" را تجدید نمود مترقی جلوه داده و استبدادش را نیاز جامعه قلمداد می‌کنند. این سلطنت طلبان "دمکرات" حاضر نیستند حتی به سخنان خود احترام گذارده و این پدر و پسر دیکتاتور و خیانتکار به منافع ملی و گماشته امپریالیست‌ها را محکوم کنند و ضد دموکرات بنامند. همین طفره رفتن از محکوم کردن این پدر و پسر دیکتاتور و ضد دموکرات افشاء گر ماهیت ضد دموکراتیک آنهاست.

ببینید دارودسته شعبان جعفری معروف به شعبان بی‌مخ و هواداران سلطنت بگورسپرده شده پهلوی چه دموکرات و آزادیخواه شده‌اند! و لیکن هنوز مدافع بیشرم کودتای‌های ننگین استعماری و جنایتکارانه پدر و پسر هستند. اینان دموکرات‌های دروغین و مدافعین احیای سلطه استبداد پهلوی و استعمار در ایران هستند و برای کسب قدرت درسازمان‌های آمریکا و اسرائیل آموزش می‌گیرند.

چه مضحک است وقتی سلطنت طلب خجولی خود را در پشت تصویر جعلی پنهان کرده و از زبان "نسل سوخته" علیه نسلی که به حق دست به انقلاب زد و دستگاه سلطنت پوسیده را به گورستان تاریخ پرتاب کرد، پارس می‌کند. تو گوئی "نسل جدید" مدافع خرافه رژیم کپک زده موروثی سلطنتی و حامی امپریالیسم و استعمار است! بیشرمی و ریاکاری بس است! مردم ایران سلطنت نمی‌خواهند. سلطنت به قرون وسطا تعلق دارد و حامیان با نقاب و بی نقاب آن مرتجع و قرون وسطائی‌اند.

پرویز ثابتی ساواکی، اردشیر زاهدی و تمام دارودسته قاتل و فاسد جنایتکار پهلوی تحت حمایت و پوشش ممالک "حقوق بشر خواه" و در رأس آن امپریالیست آمریکا قراردارند. اینها جنایتکار و قاتل‌اند، باید در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه و مجازات شوند. این مزدوران، تازه طلبکار هم هستند، ملت ایران باید از آنها "عذرخواهی" هم بکند. می‌گویند:

« ما پشیمانیم، که کم‌گشتیم، بیشتر می‌گشتیم در قدرت باقی می‌ماندیم »

برای متوقف ساختن ماشین جنگی امپریالیسم، باید دلار را به خاک مالید

امپریالیسم جهانی دور تهاجمات استعماری خویش را با پیروزی در جنگ سرد و با کسب بازارهای نفوذ جدید و استقرار نظم نوین جهانی از شرق اروپا آغاز کرد و در ادامه آن، ضمن برافروختن آتش جنگ‌های یکی بعد از دیگری،

تمام وسایل و ابزارهای تبلیغاتی - ایدئولوژیکی خود را به کار گرفت تا فراموشکاری را به شکل یک نظام فکری قانونمند به افکار عمومی حقه کرده و توحش خصلتی و تاریخی غرب استعمارگر را از حافظه بشریت جهان پاک نماید. هنوز مدت زیادی از اشغال نظامی و تجزیه یوگسلاوی در سالهای آخر قرن گذشته نگذشته بود که افغانستان و عراق را یکی پس از دیگری به تسخیر و حوش استعمار مسلح درآورد. بهیمیت اشغالگران امپریالیسم جهانی در این کشورها چنان از حد گذشت که آثار شوم آن، هم چنان که آثار بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن، جنگ‌های آسیای جنوب شرقی، هندوچین و ... هنوز هم قربانی می‌گیرد، یقیناً حتی صدها سال پس از آن که استعمار گور خود را از این کشورها گم کند، ادامه خواهد داشت.

دور جدید تهاجم جهانی امپریالیسم در اشکال فتنه انگیزی و ایجاد خصومت و دشمنی بین خلق‌های دوست و همسایه، بین پیروان ادیان و فرق مختلف مذهبی، بین معتقدان به جهان بینی‌های زمینی و به تبع آنها، در شکل بر هم زدن ثبات و امنیت کشورها و تقسیم و تجزیه آنها در سایه هرج و مرج و جنگ همه علیه همه آغاز شد.

به برکت همین جنگ‌های امپریالیستی، از سال‌های دهه نود قرن گذشته به این سو، چیزی نمائنده است که شمار کشورهای عضو سازمان ملل متحد دو برابر شود و این سیاست تبهکارانه با شدت و حدت وصف ناپذیری هم چنان ادامه دارد. پس از قطعه قطعه کردن اتحاد شوروی و تبدیل اجزاء آن و کشورهای صنعتی اروپای شرقی به انبار مفلوک بنجل ترین محصولات شرکت‌های امپریالیستی و الحاق آلمان شرقی به آلمان امپریالیستی، چک و اسلواکی از هم جدا شدند، یوگسلاوی به هشت «کشور» تقسیم گردید و اگر منافع غرب ایجاب کند، هر شهرستان آن را هم یک «کشور مستقل» اعلام خواهد کرد. کشورهای افغانستان و عراق را به قصابخانه مردم آنها تبدیل کردند. سودان، بزرگ ترین کشور آفریقا تقسیم گردید. در سومالی و لیبی عملاً دولتی وجود ندارد. در ساحل عاج **نیروهای اشغالگر فرانسه و "سربازان حافظ صلح سازمان ملل متحد"**، دولت قانونی آن را سرنگون کرده، کارمند بانک جهانی، حسن واتارا را به تخت نشاندند. عراق عملاً تجزیه شده و بخش شمالی آن به تصرف کامل اسرائیل در آمده است. هم اینک، برنامه تجزیه نیجریه به دو بخش مسیحی نشین و مسلمان نشین در دست اجراست. در کادر تقسیم جدید منافع نفوذ امپریالیستی و رقابت با یکدیگر، کار فشرده روی طرح تجزیه و تقسیم افغانستان، پاکستان، سوریه، ایران، روسیه، چین و بسیاری از کشورهای بزرگ ادامه دارد. تلاش برای بر هم زدن اوضاع هفت کشور آمریکای لاتین و در رأس آنها ونزوئلا، که با کم هزینه ترین شیوه مبارزه از دایره نفوذ استعمار نو خارج شدند، بی وقفه ادامه دارد. در اثر تعمیق روزافزون بحران اقتصادی - مالی نظام سرمایه‌داری، امپریالیسم جهانی حتی به "خودی‌هایش" نیز رحم نمی‌کند. در حالی که آمارها از وخامت شدید اوضاع اقتصادی آمریکا با بیش از ۱۵ تریلیون دلار و آلمان با بیش از ۲ و نیم تریلیون دلار بدهی خارجی حکایت می‌کند، جهان شاهد آن است که فعلاً بر روی یونان، ایرلند، اسپانیا، پرتغال و ایتالیا تمرکز کرده‌اند. علت این تمرکز، در این نکته ظریف نهفته است که این کشورها، بخصوص یونان از مجموعه جزیره‌ها تشکیل یافته که تملک بر آنها به راحتی آب خوردن امکان پذیر است.

هم اکنون، بحران صادراتی غرب امپریالیستی - استعماری به سوریه، به مرحله به شدت نگران کننده نزدیک شده و احتمال این که استعمارگران غرب بتوانند سوریه را به سرنوشت شوم عراق، لیبی و یا سومالی گرفتار سازند، هر روز بیشتر می‌شود و تردیدی نیست که سقوط دمشق، راه را برای سقوط تهران هموار می‌کند.

در این میان، نقش دولت‌های دست نشانده مناطق آشوب زده جهان، از جمله شبه دولت‌های دست نشانده حاکم بر کشورهای حوزه خلیج فارس و هم چنین رژیم ستمکار جمهوری اسلامی را که شعارهای "مرگ بر آمریکا"ی آن گوش فلک را کر می‌کند، نمی‌توان در اجرای سیاست‌های اشغالگران امپریالیسم جهانی و پیشبرد اهداف پلید آن نادیده گرفت. غرب استعمارگر پس از آن که رژیم کرزای را در افغانستان، رژیم آقای ده در صددی (آصف علی زرداری) را در پاکستان و سپس، پان ترکیسم - اسلامی "عدالت و توسعه" را در ترکیه به قدرت رساند، زمانی که کشور عراق را اشغال و ویران کرد و میلیون‌ها عراقی را کشت، مجروح و معلول ساخت و از خانه و کشورش آواره نمود، رژیم خلافتی ایران همه این بربریت‌ها را به نام افزایش شمار رژیم‌های اسلامی تلقی کرد و سقوط رژیم صدام را جشن گرفت. بدتر از همه، پس از آن که استعمارگران غرب خیزش‌های مردمی در کشورهای تونس و مصر و دیگر ممالک خاورمیانه و شمال آفریقا را از مسیر انقلابی خود منحرف ساخته و سپس رونوشت ترکیه را به تونس تحمیل کردند و اخوان المسلمین را به پاسداری از رژیم کودتائی نظامیان آمریکائی - مصری گماشتند، رژیم جاهل و خرافه پرست ایران بر طبل توخالی "بیداری اسلامی خلق‌های منطقه" کوبید و شورش القاعده در لیبی و بمباران‌های جنون آمیز تروریست‌های ناتو را "انقلاب مردم لیبی"، انقلابی که در سالگرد آن، رسانه‌های جهانی از فقر و فاقه شدید مردم، کشت و کشتارهای روزمره و وجود ۱۶۸ گروه و سازمان مسلح و ده‌ها "حزب سیاسی" در طلب قدرت صحبت می‌کنند، خواند و با ارسال کمک‌های "بشر دوستانه"، از شورشیان القاعده در بنغازی پشتیبانی کرد. این پذیرفتنی نیست که سیاست‌گزاران عوام‌فریب رژیم تبه کار جمهوری اسلامی از همان زمان، همکاری گسترده با تروریست‌های ناتو تحت عنوان دفاع از "مسلمانان آمریکایی در بوسنی و هرزگوین" ملهم از تفکر ارتجاعی مذهبی به چنین همناوایی‌ها و همخوانی‌ها روی آورده و نفهمیدند که این شیپور "بیداری اسلامی خلق‌های منطقه" از واشنگتن، لندن، پاریس، برلین، بروکسل و تل آویو نواخته می‌شود.

هم اینک، امپریالیسم مهاجم غرب اندک اندک به پشت دروازه‌های ایران نزدیک می‌شود و در صدد آن است که با تشدید تحریم‌های جنایتکارانه و تهدیدهای دائمی زمینه فکری تهاجم نظامی به ایران ما را آماده ساخته و سپس، گرفتار

نمودن آن را به سرنوشت سیاه کشورهای قربانی، دور جدید تهاجمات جهان گشایانه امپریالیسم، آخرین وصیت آرپل شارون، یکی از سرقصابان مردم فلسطین را که شش ماه پس از به حالت اغما افتادن، ناگهان برای چند ثانیه زبان گشود و گفت: "کشور ایران بسیار بزرگ است، باید آن را به چند کشور تقسیم کرد"، اجرا نماید.

با این وصف و با آگاهی از اهداف شوم تهاجمات پیاپی امپریالیسم به کشورهای مختلف جهان، از جمله به میهن ما ایران، متوقف ساختن تروریسم بین‌المللی غرب، عاجل‌ترین وظیفه امروز بشریت جهان و از جمله خلق‌های ایران است. بدین ترتیب، این سؤال مطرح می‌شود که آیا امروز این وظیفه را بانجام رساند و قوای اهریمنی امپریالیسم عنان گسیخته را عقب راند و ماشین آدمکشی آن را به گل نشاند؟ بی شک، پاسخ صریح این سؤال در اوضاع و احوال امروزی جهان یک آری بلند است. فراموش نباید کرد که همه نظام‌های جبار تاریخ، علیرغم تمام آن چه که شکست ناپذیر و ابدی می‌نمودند، به برکت مبارزات پیگیر خلق‌های جهان به آرشیو تاریخ سپرده شدند و این آخری، امپریالیسم خونخوار نیز که همه تبه کاری‌های سراسر تاریخ را در انبان خود جمع کرده، از این قاعده مستثنی نیست و اتفاقاً، راه پایان دادن به عمر نکبت بار آن، بسیار بی دردسترتر از نظام‌های پیشین می‌باشد. اما، چگونه؟

جان مینارد کینز، مؤلف کتاب "نظریه عمومی اشتغال بهره و پول" و در واقع پدر اقتصاد کازینویی (قمارخانه‌ای) سرمایه‌داری می‌گوید: "هیچ ابزاری مؤذیان‌تر و ریاکارانه‌تر از چاپ پول بی پشتوانه برای نابودی پایه‌های جامعه موجود، وجود ندارد. این کار، قوانین اقتصادی را چنان نامحسوس به سوی در هم شکستن پایه‌های جامعه سوق می‌دهد که از میان میلیون‌ها انسان، حتی یک نفر هم متوجه آن نمی‌شود". بدین ترتیب و با کاربست این "رهنمود" جناب کینز، امپریالیسم جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا، با حذف کالا از فرمول اقتصاد سرمایه‌داری "پول-کالا-پول"، به چاپ بی حد و حصر اسکناس روی آورده و به حساب همین پول‌ها، اقتصاد جهان را به ورشکستگی مطلق دچار کرد.

اینک، در عصر فرمانروایی جنایتکاران و سیاستمداران احمق، تمام بودجه تسلیح و تجهیز، تربیت و نگهداری ارتش‌های تروریستی ناتو و آمریکا، باندهای تروریست، ارتش‌های مزدوران مسلح منتخب از میان اردوی بیکاران محروم از همه چیز و ناامید از فردا، هم چنین ماشین تبلیغاتی - ایدئولوژیک آن، به حساب همین پول‌ها و به حساب همه اقتصاد جهان که در این تار عنکبوت درگیرند و همه مردم جهان تأمین می‌شوند. برای مقابله با این آدمکشان بین‌المللی، برای ساختن جهانی امن، آزاد و آباد، برای دفاع از شأن و عزت انسانی هر تک انسان‌ها و برای برقرار ساختن صلح و ثبات پایدار در جهان، به مصداق زبانزد مشهور "لاک پشت را چه بکشی، چه به روی پشت بگذاری، نتیجه، مرگ آن است"، می‌توان با تشکیل یک جبهه نیرومند جهانی، چهره کثیف فاشیسم امپریالیستی، توطئه و دسایس آن را افشا و رسوا کرد و با سازمان دادن مبارزه جهانی علیه فرمانروایی دلار، این پول‌های بی پشتوانه را که اگر به خود آمریکا برگردانده شوند، به ضخامت چندین متر تمام خاک آمریکا را می‌پوشاند، قدرت نظامی امپریالیسم را به باد هوا تبدیل کرد و ماشین جنگی سارقان و تروریست‌های بین‌المللی را زمین گیر ساخت

تاکتیک ما در افشاء دسیسه امپریالیستی

رژیم جمهوری اسلامی که در جنایت و بی قانونی و ارتشاء و دزدی و خیانت از رژیم‌های بی نظیر تاریخ ایران می‌باشد، مورد نفرت به حق اکثریت مردم کشور ما است. این رژیم قادر نیست، اعتماد مردم را برای یک مبارزه همه جانبه، طولانی و توده‌ای به کف آورد و در مقابل این دسایس ایران بریاد ده مقاومت کند. این رژیم از مردم کشورش بیش از امپریالیست‌ها می‌ترسد. این رژیم به قدری دروغ‌گوست که کسی نمی‌داند آیا در پس تهدیدهای وی علیه امپریالیست‌ها، خالی بندی کامل نهفته است و یا این که واقعیتهای در پس این گفتارها وجود دارد. اگر این تهدیدها توخالی باشد، می‌تواند در زمان وقوع خطر به روحیه مردم مقاوم، صدمات جبران ناپذیری بزند و درجه مقاومت آنها را در مقابل دشمن به حداقل برساند. در ماهیت رژیم ارتجاعی و جنایتکار حاکم در ایران نیست که برای مقابله با دشمن خارجی و انقلاب مخملی داخلی، برای ممانعت از جنگ داخلی تجزیه ایران و برای کسب اعتماد مردم، به حقوق مردم و ملت‌های ساکن ایران احترام بگذارد، این حقوق را به رسمیت بشناسد، احزاب و سازمان‌های سیاسی را آزاد کند، تساوی حقوق زنان با مردان را بپذیرد، سندیکاهای کارگری را آزاد کند، سانسور مطبوعات را بردارد، حق آزادی بیان را بپذیرد، دزدان مال مردم را آشکارا محاکمه کرده و با مصادره اموالشان آنها را به مجازات در خور خویش محکوم نماید. انتخابات آزاد برگزار کند تا قادر شود سد و صف متحد و متشکلی در مقابل سیل دشمن ایجاد گرداند. این رژیم با روش خویش کارش را به بن بست کشانده است. این مردم ایرانند که باید پرچم مقاومت را برافرازند و با همدستان امپریالیسم و اخلاص‌گران در جبهه ضد جنگ و تجاوز مبارزه کنند. هیچ قدرتی قدرتمندتر از نیروی خلق نیست. این نیرو است که هم می‌تواند بجنگد، هم ایران را حفظ کند و هم ایران را بسازد. رژیم جمهوری اسلامی نمی‌خواهد بپذیرد که قوای کشور ناشی از ملت است و نه ولی فقیه، نمی‌خواهد بپذیرد که مردم موجودات عاقل و بالغ‌اند و قدرت تصمیم‌گیری داشته و دارای شخصیت مستقل بوده و مطیع و سرسپرده شخص رهبر نیستند و هرگز نخواهند بود. فقط با چنین درکی امکان دارد خطراتی که کشور ما را تهدید می‌کند به حداقل رساند و از حقوق قانونی کشور ایران به عنوان

یک عضو رسمی سازمان ملل متحد دفاع کرد. باید سیاست راهبردی امپریالیسم جهانی را برای نفوذ در منطقه شناخت و برای مقابله با آن بسیج شد. این مقابله تنها با تکیه بر مردم ممکن است مردمی که حقوقشان به رسمیت شناخته شود. هر گونه بی توجهی نسبت به این وضعیت، عواقب خطرناکی برای میهن ما دارد. رژیم جمهوری اسلامی گور خود را می کند. تسخیر و اشغال ایران توسط تجاوزکاران و امپریالیست های غارتگر و خون آشام، بزرگترین فاجعه تاریخ در نه دهه اخیر بعد از جنگ جهانی دوم و تاریخ ایران خواهد بود. تسخیر ایران پیروزی سیاست راهبردی امپریالیست آمریکا در تسلط بر منابع انرژی جهان و تولید و استخراج آن، در صد سال آینده است و جهان را یک گام بزرگ به جنگ جهانی برای تقسیم مناطق نفوذ و مواد اولیه نزدیک می کند.

طبیعتاً حزب ما نمی تواند به افشاء هر دسیسه مشخص امپریالیستی که در حال تغییر و گوناگون است، بپردازد. ولی می تواند خطوط تمایزی را میان دوستان و دشمنان مردم ایران و عوامل انقلاب مخملی بکشد.

در مبارزه برای تحقق خواست های دموکراتیک باید حتماً مبارزه دموکراتیک را با مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم پیوند زد. حقوق بشر یک دستاورد جهانشمول و معتبر است. باید با نقض آن در همه جا مبارزه کرد. باید دست ریاکارانی را که نژادپرستانه میان انسان ها، در سرزمین های اشغال شده فلسطین و به ویژه نوار غزه و زندان ابو غریب و گوانتانامو و مردم عراق و افغانستان فرق می گذارند رو کرد. نقض حقوق بشر در عربستان سعودی و لیبی فرقی با نقض آن در ایران ندارد. سکوت در مقابل نقض یکی از آنها و حمایت گزینشی از حقوق بشر، دشمنی با تحقق حقوق بشر است. باید از خواست های مردم ایران و منافع ملی ایران از جمله حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم حمایت کرد و تخریب در این دستاوردهای مردم ایران و قتل دانشمندان ایرانی، این فرزندان برجسته میهنمان را توسط تروریسم صهیونیستی محکوم نمود. باید نقش غارتگران امپریالیسم را به عنوان بزرگترین تجاوزگر و جنگ طلب تاریخ بشریت، بزرگترین دشمن آزادی و دموکراسی در جهان رو کرد و دست کسانی را که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از این عفریت ها کمک مالی و حمایت تبلیغاتی می گیرند برملا ساخت. تنها از این طریق است که حکمیت ایران منفرد شده و مردم ایران به سمت ما روی می آورند و دید روشنی نسبت به دوستان و دشمنان مردم ایران پیدا می کنند.

سخن هفته

نقل از فیسبوک توفان

۱۳۹۰ اسفند ۱ دوشنبه

www.toufan.org



دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

زندانی کردن و شکنجه کارگران، این ستون اصلی انقلاب، در خدمت امپریالیسم جهانی است



مبارزات طبقه کارگر در سال‌های گذشته وسیعاً گسترش یافته و سراسری شده است. شکل مبارزه آنها مسالمت آمیز است و تظاهر آن به صورت نامه نویسی، بستن جاده‌ها، نمایشات خیابانی، اعتصابات و تحصن‌های کارگری بروز می‌کند. مبارزات کارگری در ایران به طور نمونه از جمله در شهرهای زیر به درگیری با دولت و کارفرمایان رسیده است: اصفهان، طبس، کامیاران، تهران، قزوین، عسلویه، تبریز، مسجد سلیمان، ساوه، یزد، سنندج، بروجرد، دیوان دره، قم، نهاوند، بومهن، هفت تپه، نجف آباد، قهستان، سیلان، کاشان، اردبیل، اسلام شهر، خوی، نیشابور، پاکدشت، کرج، سمنان، کرمانشاه، شیروان، سنگرود، پاوه، مشهد، رشت، اراک، بوشهر، بجنورد، شوش، خرم آباد و... کارگران برای بیان خواسته‌های خویش از جمله در مقابل نهاد ریاست جمهوری و فرمانداری‌ها، در مقابل مجلس شورای اسلامی، وزارت صنایع و معادن و یا کار و امور اجتماعی تجمع کرده‌اند. آنها در محل کارخانه‌ها اجتماع کرده و دست از کار کشیده‌اند و یا برای تحقق خواسته‌های خود به اعتصاب غذا دست زده‌اند.

این حرکت‌های کارگری نشانه آن است که کارگران به خیابان‌ها می‌آیند و می‌توانند تا این حد خود را سازمان دهند و در میان خویش همبستگی کارگری ایجاد نمایند. آنها موفق شده‌اند برای حفظ همین حداقل تشکیلات از گردش‌های دستجمعی و برگزاری اردوهای کارگری استفاده نمایند.

این گستردگی و تداوم مبارزات کارگری بیانگر آن است که درجه استثمار در ایران تشدید شده و سرمایه‌داران به وحشیانه‌ترین وضعی از نیروی کار کارگران سوء استفاده می‌کنند و آنها برای تأمین حداقل زندگی خویش بپا خاسته‌اند. این گستردگی و تداوم مبارزه کارگران و برخورد رژیم جمهوری اسلامی با آنها بیانگر آن است که کارگران به ابزار کارگری رژیم به عنوان نمایندگان خویش یعنی "خانه کارگر" و "شورای اسلامی کار" اعتماد و اعتقادی نداشته و آنها را نماینده خویش نمی‌دانند. در میان کارگران وضع زنان کارگر وخیم‌تر از مردان است زیرا آنها در محیط کار مورد تبعیض و مزاحمت‌های جنسی قرار گرفته و فشار مردسالاری سنتی را حتی در میان کارگران باید بر دوش خود تحمل کنند.

حزب ما ضمن پشتیبانی از کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی مدت‌هاست اقدامات مشخص بین‌المللی در همبستگی با کارگران ایران انجام داده و با ارسال نامه به احزاب مارکسیست لنینیست جهان و اتحادیه‌های کارگری نظر آنها را به مسائل کارگری ایران از جمله زندانیان سیاسی و سرکوب کارگران جلب نموده و خواهان همبستگی با کارگران ایران گردیده است. در همین رابطه فراخوان بین‌المللی حزب ما در حمایت از کارگران در نشریات و سایت‌های احزاب برادر بازتاب وسیع داشته و مورد استقبال احزاب و سازمان‌های مارکسیست لنینیست قرار گرفته است. بی شک این امر گرمابخش پیکار ما در کارزار افشای اقدامات ضد کارگری جمهوری سرمایه‌داری اسلامی خواهد بود.

زندانیان، سرکوب و شکنجه کارگران این ستون اصلی انقلاب و هرگونه تحول اجتماعی در ایران در خدمت امپریالیسم جهانی است و به شدت محکوم است.

برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بکوشیم و از هیچ کوششی دریغ ننماییم.

«تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فتنای مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند.»

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

گزارشی از اعتراضات ضد جنگ در آمریکا و اروپا علیه تحریم اقتصادی، علیه تجاوز نظامی و علیه عملیات تروریستی در ایران

روز شنبه ۴ فوریه ۲۰۱۲ تظاهرات سراسری در بیش از ۶۰ شهر آمریکا و کانادا با موفقیت برگزار شد. علیرغم مدت کوتاه برای بسیج نیرو و بایکوت مطلق خبرسانی توسط رسانه‌های رسمی، هزاران نفر از ملیت‌های مختلف به خیابان‌ها آمدند و اعتراض خود را علیه جنگ افروزی دولت‌های اوباما و نتانیاهو ابراز داشتند. جمعیت شرکت کننده در تظاهرات، در شهرهای لوس آنجلس، سانفرانسیسکو و نیویورک بیشتر از شهرهای دیگر بود. در هر کدام از این شهرها حداقل ۵۰۰ نفر به طور مداوم فریاد می‌زدند "ما جنگ نمی‌خواهیم"، "دست‌ها از ایران و سوریه کوتاه"، "ترور دانشمندان در ایران و خاورمیانه را متوقف کنید" و "ایران شغل مرا ندزیده، بانکداران دزدیده‌اند" و

فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا و کانادا در شهرهای نزدیک به محل سکونت خود فعالانه در تظاهرات شرکت کردند. یکی از رفقا ضمن سخنرانی علیه تحریم و جنگ افروزی علیه ایران و افشای سیاست‌ها و تبلیغات دروغین امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها، از جمعیت شرکت کننده برای ابراز همبستگی با مردم ایران و خاورمیانه تشکر نمودند و بر روی تقویت این همبستگی تأکید کردند. تعدادی از تظاهرکنندگان در مورد شرایط سیاسی و اقتصادی ایران از فعالین حزب سؤال نمودند و رفقا صبورانه به آنها پاسخ دادند. رفقا به تظاهرکنندگان گفتند که رژیم جمهوری اسلامی رژیمی جنایتکار و مافیائی است که باید سرنگون شود ولی این سرنگونی باید به دست مردم ایران صورت گیرد و نه امپریالیست‌ها که تنها و تنها منافع غارتگرانه خویش را در نظر داشته و به هدف مستعمره کردن کشورها به آنها تجاوز می‌کنند. ما توضیح دادیم که امپریالیست‌ها هرگز خواهان آزادی و دموکراسی و حقوق بشر نبوده و نخواهند بود. نمونه‌های عراق و لیبی و افغانستان در پیش روی ما هستند که نشان می‌دهند نیروهای تجاوزگر به چه جنایت‌های ضد بشری دست زده‌اند. چندین تظاهرکننده جوان علاقمند به ادامه بحث‌ها بودند که رفقای ما مشتاقانه به آن پاسخ مثبت دادند.

در بعضی از شهرها تظاهرات برای چند ساعت ادامه داشت.

فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا و کانادا
۵ فوریه ۲۰۱۲

* * * * *

ایران، جمهوری اسلامی نیست، ایران وطن ماست



امروز شنبه 2012/02/04 در ساعت یک بعد از ظهر، در شهر مونیخ آلمان در میدان اشتاخوس، در اعتراض به جنگ طلبی و جنگ افروزی امپریالیست‌ها، در اعتراض به تجاوز ناتو به سرکردگی امپریالیست آمریکا به عراق، افغانستان و لیبی، در اعتراض به تهدیدات جنگ طلبانه و سبعانه آمخواران و توسعه طلبان جهانی بر ضد سوریه و ایران، در اعتراض به فروش تسلیحات به ممالک ضد دموکرات و ارتجاعی و اشغالگر نظیر اسرائیل، ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی چندین هزاران نفر با پرچمهای حمایت از زحمتکشان و خلقهای جهان، در حمایت از صلح و امنیت در جهان، در مخالفت با گسترش مستمر تسلیحات اتمی توسط امضاء کنندگان پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی، توسط این صاحبان سلاحهای اتمی، به خیابانها سرازیر شدند. این نمایش چند هزار نفره، که در سرمای 16 درجه زیر صفر برگزار می‌شد، اعتراض مستقیمی بود، به سرکردگان استیلاگر و غارتگران جهان، که در مونیخ تحت عنوان "کنفرانس

امنیت" در نشست سالیانه خود گرد آمده بودند. این نمایش آنها را مورد خطاب قرار می داد و اقدامات آنها را علیه مردم جهان جنگ افروزانانه ارزیابی کرده و محکوم می نمود. "کنفرانس امنیت" در مونیخ، کنفرانس تهدید و ارباب ممالک، چانه زدن بر سر تقسیم غنایم و نشان دادن قدرت عضلانی خویش است. این کنفرانس بر ضد امنیت و بخاطر جنگ بوده و کوچکترین قرابتی با صلح، انساندوستی و احترام به حقوق بشر و برسمیت شناختن حق حاکمیت ملی و استقلال کشورها ندارد. این کنفرانس مدافع تسلیحات اتمی اسرائیل و سرکوب مردم فلسطین و سوریه و ایران است. این کنفرانس هرگز از منافع خلقهای جهان و حقوق قانونی و مشروع آنها دفاع نکرده و نمی کند. این کنفرانس فقط خود را در پشت نقاب "امنیت" پنهان کرده است. آنها مدافع امنیت خودشان هستند و نه امنیت مردم جهان. این کنفرانس در زمانی برگزار شد، که دولت صهیونیستی اسرائیل به طور مرتب و بر خلاف بند دو منشور ملل متحد، ایران را به جنگ و بمباران تهدید می کند و جالب این است که از طرف این هواداران قلابی امنیت مورد انتقاد قرار نمی گیرد. آنها سنگ را بسته و سگ را راهها کرده اند. در این نمایشات اعتراضی بسیاری ایرانیان مترقی، پیشرو و آگاه مونیخ شرکت کردند. چند صد اعلامیه و بیانیه جبهه ضد تجاوز و تحریم اقتصادی علیه ایران توزیع گردید که مورد توجه و حمایت شرکت کنندگان قرار گرفت و در نمایش اعتراضی قرائت گردید. هموطنان ما پرچم سه رنگ ایران را حمل می کردند و بر روی پلاکات خویش نوشته بودند. "نه! به جنگ علیه ایران". برخی از ایرانیان شعار "دستها از ایران کوتاه باد" را به گردنهای خویش آویخته بودند. ما در بیانیه خود تحت عنوان "مخالفت با دخالت و تحریم اقتصادی علیه ایران" نوشتیم: "ما دوستان یا حامیان رژیم جنایتکار ایران نیستیم. بر عکس! ما این رژیم را بشدت محکوم کرده و بر ضد حکومت ملاها سالهاست مبارزه می کنیم. لیکن ما اعتقاد داریم که برافکندن و سرنگونی این رژیم تنها و تنها امر ملت ایران است." ما در نمایشات اعتراضی خود، دروغهای امپریالیستها و رسانه های گروهی آنها را در مورد بمب اتمی موهومی ایران برملا کرده و از حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم حمایت نمودیم. حقوق ایران، حقوق جمهوری اسلامی نیست، حقوق ملت ایران است. جمهوری اسلامی رفتنی، ولی ملت ایران پاینده و بالنده است. ما در این تظاهرات به جنایات تروریستهای موساد در ایران که دانشمندان هسته ای ایران را که فرزندان این آب و خاک هستند ترور می کنند، اعتراض کردیم و خواهان محکوم نمودن این قبیل جنایات شدیم. ما بر این نظریه که دستاوردهای خلق ایران ربطی به جمهوری اسلامی ایران ندارد. جمهوری اسلامی ضد علم، آگاهی و معرفت و هوادار خرافات و نادانی و جهالت است. ما همکاری حکام آژانس جهانی انرژی اتمی را در وین که به عنوان دست دراز شده و ابزار سیاسی آمریکا عمل می کند و نقش جاسوسی در عراق و ایران را به عهده گرفته است، محکوم کردیم و اعلام نمودیم که نمونه "آزادی" لیبی که به مستعمره بدل شدن این کشور، منجر شده است، مورد انزجار ماست. ما اعلام کردیم که مردم ایران یک صدا در یک جبهه گسترده و واحد مخالف تجاوز و حملات نظامی به ایران هستند و به عنوان قربانیان تحریمهای جنایتکارانه و ضد بشری اقتصادی به این تحریمها اعتراض می کنند و در مقابل امپریالیستها و همدستان ایرانی آنها خواهند ایستاد. خلق ایران هرگز قلدری و دیکته امپریالیستها را نخواهد پذیرفت. تاریخ پر افتخار ضد اجنبی ایران گواه سخنان ماست. مرگ بر تجاوزکاران، تهدیدگران، سلطه گران و همدستان ایرانی تبار آنها در هر لباسی که باشند. زنده باد خلق ایران و زنده باد ایران و حقوق قانونی کشور ما. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه مردم ایران است و نه قدرتهای آزمند و غارتگر و ریاکار امپریالیستی

منبع: جبهه ضد تجاوز نظامی و ضد تحریم اقتصادی علیه ایران در مونیخ،

<http://jenhezdetajavoz.blogspot.com/search?updated-max=2012-02-06T01:48:00-08:00&max-results=7>

**مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستنی مبارزه ضد امپریالیستی
است**

یادی از رفیق یدالله پهلوان رزمنده توفانی



او که هرگز سرش تسلیم نگشت
و با غرور افتخار آفرین
آن چنان که ارانی‌ها و روزبه‌ها بودند
آن طلایه داران آزادی بسان دگر سرباز کوچک خلق
در ره خلق
با نام خلق گام نهاد
و در خون خویش غلطتید

رفیق یدالله پهلوان پس از پشت سر گذاشتن زندگی حماسی و پرشور خویش و با ایمان عظیم خود به آینده تابناک زحمتکشان، در سحرگاه خونین ۱۴ شهریور ۶۱ توسط گلوله‌های سربی رژیم خونخوار خمینی در خون پاکش غلطید. رفیق یدالله در خاک سیاه شب بدر سپیده افشاند و عاشقانه در سنگر عشق خونبار خود دانه‌های گل سرخ کاشت و با مرگ پرشکوه خویش آیندگان را به پیروزی و وصال صبح روشن نوید داد.

رفیق پهلوان به سان سرو آزادی در دشت انقلاب ایران سر برافراشته است. آن استواری و هیبتی که خاص آزادگان تاریخ در مقابل دشمن زبون و غدار است. وین شعله ستاره که در آسمان جای گرفت، اسطوره خشم بیکران و نشانگر توفان عظیم خلق است که گریبان ارتجاع حاکم را خواهد گرفت.

رفیق یدالله پهلوان با قلبی انباشته از کینه عمیق به دشمن و با عشق سرشار به خلق قهرمان ایران راهی میدان تیرباران گشت، در حالی که در آن زمان درفش فتح را در دستهای پرتوان خویش می فشرد و عاشقانه سرود رهائی خلق را زمزمه می نمود. فریاد رسا و بلند رفیق به مانند یک ترانه امید در قلب‌ها شعله ور است که دشمنان بشریت را به زباله دانی تاریخ نوید داد و آفرین خلق را با مرگی چنین بلند و پرشکوه نثار خود کرد.

رفیق پهلوان در خانواده‌ای فقیر و زحمتکش متولد گشت. محیط زندگی خانوادگی رفیق را پدرش که مستخدم اداره و مادرش که زنی زحمتکش و برادر قهرمان و دلاورش اصغر پهلوان تشکیل می داد. پس از فوت پدر زحمتکش خود، قبل از انقلاب بهمن رفیق تحت سرپرستی مادر خود قرار گرفت و با شروع جنبش عظیم مردم در بهمن ۵۷ به همراه برادر هم‌رزمش فعالانه در امر پیشبرد انقلاب شرکت نمود. نقش رفیق در سازمان دادن و رهبری مبارزات دانش آموزان بسیار چشمگیر بود، چنانچه با پیشرفت مبارزه، رفیق یدالله به همراه رفیق شهید شاهرخ اسفراینی و چند تن دیگر رهبری مبارزات دانش آموزان را به عهده داشتند. در همین زمان رفیق با افکار مارکسیستی - لنینیستی آشنا گشت و چون از ذهن کنجکاو و جویانی برخوردار بود با مطالعه و کارهای توده‌ای سرانجام تشکیلات راستین طبقه کارگر را یافت و با ایمان به اصولیت حزب و خط مشی مارکسیستی - لنینیستی به حزب کار ایران (توفان) پیوست. رفیق یدالله پس از آموزش‌های لازم و پس از پشت سر گذاشتن آزمایشاتی سرانجام موفق گشت که در بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین روز زندگی خود در سال ۵۸ به عضویت حزب کار ایران در آید. از آن پس رفیق قهرمانانه استعدادهای فوق‌العاده خویش را در جهت پیشبرد حزب به کار گرفت.

رفیق یدالله پهلوان با نام‌های حزبی فرهاد و بهروز از نظریه پردازان و متفکرین بزرگ حزبمان می باشد. رفیق در زمینه کارهای نظامی از قدرت و استعداد خارق‌العاده‌ای برخوردار بود. او یکی از مغزهای متفکر نظامی و سازنده انواع مواد و وسایل نظامی بود. به دلیل استعدادهای بیشماری که در شخصیت رفیق یدالله جمع شده بود رفیق مسئولیت‌های بیشماری برای حزب انجام می داد. رفیق علاوه بر مسئولیت چاپ و نشر اعلامیه، مسئول بخشی از دانش آموزان پسر از جانب کمیتهٔ بنجورد بود. کمیتهٔ ولایتی بنجورد با استفاده از نقش فعال و ارزندهٔ رفیق یدالله و دیگر رفقای حزبی توانست پایه‌های حزب را در روستاها محکم‌تر سازد و در این زمینه رفیق با قدرت فوق‌العاده و نفوذ کلام خویش

در میان زحمتکشان روستا، حزب را در امر سازماندهی توده‌ها یاری می‌کرد و با پخش نشریه "اتحاد دهقانان" که در آن زمان در میان دیگر نشریات کم نظیر بود نیز کمک بزرگی در امر بالا بردن آگاهی دهقانان می‌نمود. رفیق یدالله پهلوان، رفیقی نظریه پرداز و از اندیشمندان بزرگ بود. در زمینه‌های مختلف آثاری تالیف و تنظیم نمود که برای حزب بسیار گرانبها و با ارزش می‌باشد. جزوای در مورد "انقلاب مسئله‌ای که مطرح شده و باید حل گردد" و جزوه ای در مورد مسئله ملی و درباره "اکونومیسم تشکیلاتی" از آثار ارزنده رفیق می‌باشند.

علاوه بر تمامی فعالیت‌های حزبی، رفیق یدالله خود جزو اکیپ اعزامی برای کمک به جنگ زندگان به مناطق جنگی بود. رفیق از نزدیک جنگ زندگان را در مسائل و مشکلاتشان یاری می‌نمود. و در جبهه جنگ نیز رزمنده‌ای دلیر و توانا بود. رفیق این مأموریت حزبی را با کمال رشادت و آگاهی انجام داد.

رفیق یدالله پهلوان، بعد از تظاهرات با شکوه و خونین ۲۰ خرداد ۶۰ در بجنورد که تحت رهبری حزبمان و مجاهدین خلق انجام گرفت و مردم زیادی در آن شرکت کرده بودند، و با گسترش موج اختناق در فضای ایران قاطعانه به فعالیت‌های خویش ادامه داد و با همکاری دیگر رفقای حزب تظاهراتی در دفاع از آزادی و افشای کودتاگران حزب جمهوری اسلامی ترتیب می‌داد. و در آن شرایط سخت نیز او و دیگر یاران حزبی بودند که مقاومت توفانی‌ها را در مقابل یورش و اختناق نشان می‌دادند و به راستی همیشه و همواره مردم بجنورد توفانی‌ها را چون مردمک چشمانشان دوست داشته و می‌دارند.

زندگی رفیق یدالله به ما آموخت که هیچگاه و در هیچ شرایطی نباید دست از مبارزه کشید. او در عمل به خوبی نشان داد که ارتجاع به هیچ وجه نخواهد توانست اراده کمونیست‌های متشکل را در هم بشکند. او با وجودی که در زندان رژیم به سر می‌برد و سایه شوم را با گوشت و پوست خود لمس می‌کرد، اما خود از شکنجه‌های وحشیانه و قرون وسطائی رژیم سربلند بیرون آمده بود. رفیق به همین بسنده نکرد بلکه با رفقای دربند، هسته حزبی در زندان تشکیل داده و مبارزه را در زندان خمینی ادامه دادند و چنین است حماسه‌های پرشکوه مقاومت و مبارزه کمونیست‌های انقلابی. اکنون یادواره‌های رفیق، کلام گام‌هایش در جهت باز کردن راه‌های حقیقت و قاطعیت و اصولیت رفیق در قلوب رفقای قهرمان حزبش و توده‌های محروم که در قلب‌های زندانیان زندان‌های سیاه می‌تپد و خاطره‌اش را جاودان تر می‌سازد.

رفیق یدالله پهلوان پس از شکنجه‌های بسیار با وجودی که قبلاً به سه سال زندان محکوم گردیده بود، در سحرگاه ۱۴ شهریور ۶۱ قلب سرخش را آماج گلوله‌های ارتجاع ساخت در حالی که لبخند سرخی بر لبانش نقش بسته بود و با آن پیام نجات بخش ستمدیدگان را به گوش همه رنج‌دیدگان می‌رسانید.

امروز پیراهن سفیدت بر فراز پیکر پاکت شکوفان گشته است و بر پهنه آن لاله سرخی دمیده است که فریاد سرخ تو را در تلاطم مداوم خویش تکرار می‌کند.

امروز ایران در تب و تاب از دست دادن تو و یاران هم‌رزم می‌سوزد. امروز فضای ایران از بوی باروت انباشته است. امروز ایران انقلابی را موج وسیع نارضایتی و اعتراض فرا گرفته است.

حکومت مذهبی حاکم به عبث می‌پندارد که با تیرباران نمودن قلب‌های آتشین انقلابیون می‌تواند مبارزه را خاموش سازد. اما سلاح مبارزه، سنت دیرینه‌ای است که نسل‌ها آن را در قلب‌های خود پایدارتر به پا داشته و این سلاح از ورای قلب‌های پاک‌باخته فرزندان خلق در مبارزات متحد و یکپارچه نوید به گور سپردن دشمن زبون را می‌دهد و دیر نیست روزی که دست کبیر انتقام خلق، مشعل عظیم آزادی را از دستان تو و یاران هم‌رزم بر گرفته و در آن روزی که تو در آرزویش بودی، در روز رسیدن به فردای روشن و آزاد و در لحظه‌ای جاودانگی تو در تاریخ و با برچیدن بساط ننگین ارتجاع حاکم به آرمان والای تمامی شهدای خلق تحقق بخشد.

وین لاله سرخی که بر فراز قله بلند نامت

نمایان است

آن تخم رزم آوری است

که صفحات تاریخ حزب را عظمتی دگر بخشید

که می‌سوزاند و می‌شوراند

و شعله می‌سازد

آتش عظیم انقلاب را

برگرفته از کتاب جانباختگان حزب کار ایران (توفان)، مرغان پرکشیده توفان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بهار هزار و سیصد و شصت و چهار خورشیدی

www.toufan.org

لاهووتی، شاعر کمونیست و مبارز ایران



لاهووتی، شاعر مبارز و کمونیست و حامی سرسخت زحمتکشان ایران بود و بدینسان بود که بیشتر عمر خود را در مبارزه و رنج و زندان و دوری از وطن گذراند. وی از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و رهبران کبیر آن لنین و استالین سرسختانه دفاع می کرد و در وصف قهرمانی های کارگران و زحمتکشان شوروی تحت رهبری حزب پرافتخار بلشویک شوروی عاشقانه شعر می سرود.

سال های سیاه اختناق حکومت خاندان منفور پهلوی باعث شد که نام بسیاری از افراد مبارز جامعه مانند فرخی یزدی، عشقی و لاهوتی کمتر آورده شود از این جهت آن چه لازم است در مورد این شاعران و یا بهتر بگوئیم مبارزان گفته و نوشته شود، کمتر آورده شده است البته به قول شاعر مبارز گل سرخی:

نام ترا، این عابران ژنده نمی دانند

و این دریغ است، اما

روزی که خلق بداند

هر قطره خون تو محراب می شود.

لاهووتی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۶) (شاعری کمونیست و رزمنده

لاهووتی سرود تاریخی "انترناسیونال" مهم ترین سرود جنبش کمونیستی را به فارسی آهنگین برگرداند. او را می توان از سلاله شاعران طراز نوین قرن بیستم دانست، در کنار مایاکوفسکی، ناظم حکمت، برتولت برشت، لویی آراگون، پابلو نرودا، یانینس ریتسوس و...

لاهووتی آگاهی طبقاتی را به زبانی ساده برای کارگران تشریح می کند:

من از عائله رنجبرم

زاده ی رنج و پرورده ی دست زحمت

نسلم از کارگران

حرف من این که: چرا کوشش و زحمت از ماست

حاصلش از دگران؟

این جهان یکسره از فعله و دهقان برپاست

نه که از مفت خوران

او در شعر خود تاکتیک مبارزه طبقاتی را با مهارتی کم نظیر به شعار بدل می کند:

چیست قانون کنونی، خبرت هست از آن؟

حکم محکومی ما

بهر آزاد شدن، در همه روی زمین

از چنین ظلم و شقا

چاره ی رنجبران وحدت و تشکیلات است

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت

وتوی روسیه و چین و ناله‌های آمریکا

امپریالیست آمریکا وتوی چین و روسیه در محکومیت دولت سوریه را شرم آور خواند. اما شرم آور تر از هر چیز این است که خود آمریکا تا کنون تمام قعطنامه‌های پیشنهادی در تنبیه اسرائیل صهیونیست که کل فلسطین را به اشغال خود درآورده، بلندی‌های جولان سوریه را در اشغال خود دارد، بخشی از لبنان را اشغال کرده، بیش از ۲۰۰ کلاهک اتمی دارد و هرروز در سرزمین اشغالی فلسطین جنایت می‌آفریند... وتو کرده است. حال بنگرید چه لاشخواری پشت "انقلاب" سوریه... قرار دارند. وتوی چین و روسیه با هر انگیزه‌ای که باشد، مانع دخالت آمریکا، فرانسه، انگلیس، کشورهای قرون وسطائی عربی و ترکیه.... در امور داخلی سوریه گشته است. هدف از سرنگونی رژیم سوریه روی کار آوردن رژیمی دست‌نشانده و آمریکائی و خالی کردن پشت جبهه ایران برای تدارک نظامی و دخالت در امور داخلی کشور ماست. کسانی فریب دلسوزانی آمریکا و متحدینش را در قبال مردم سوریه می‌خورند یا بویی از مسائل سیاسی نبرده‌اند و یا نوکران جیره خوار امپریالیست‌ها هستند. سرنگونی رژیم بشار اسد و استقرار دموکراسی در سوریه وظیفه داخلی مردم سوریه است و بس. **فضولی موقوف!**

* * * * *

جنگ سری فرانسه علیه مردم سوریه



Mondialisation.ca, Le 22 février 2012

voltage.net.org



DGSE

ارتش سوریه هنگام اشغال دژ شورشیان در محله باب عمرو در حمص ۱۵۰۰ نفر را به اسارت در آوردند که اکثریت آنها خارجی بودند. بین اسرای جنگی، دوازده نفر فرانسوی به هویت و درجه نظامی و یگانی که به آن تعلق داشتند اعتراف کردند. یکی از آنها سرهنگ سرویس اطلاعاتی در «مدیریت عمومی امنیت خارجی» (۱) است. فرانسه طی ده ماه نبرد، با مسلح ساختن یگان‌های وهابی و با تهیه اطلاعات ماهواره‌ای برای عملیات این گروه‌های مسلح، جنگ محرمانه‌ای را علیه ارتش سوریه بر پا کرد که بیش از ۳۰۰۰ کشته از بین نظامیان و ۱۵۰۰ کشته از بین غیر نظامیان بر جا گذاشت.

این اطلاعات به شکل جزئی و پراکنده توسط تی پری میسان در یک مصاحبه تلویزیونی روسی به تاریخ دوشنبه ۱۳ فوریه ۲۰۱۲ مطرح گردید. سپس در مقاله‌ای تحت عنوان "پایان بازی در خاورمیانه" (منتشر شده در گاهنامه هنر و مبارزه) سه شنبه ۱۴ فوریه توسط کومسومواسکایا پر اودا...

فرانسه برای آزاد کردن اسرای جنگی از فدراسیون روسیه جهت مذاکره با سوریه درخواست کمک کرده است. شبکه ولتر تعداد ۱۲۰ اسیر فرانسوی در منطقه "زبدانی" را تأیید نکرد، و اعلام داشت که شواهد و مدارک کافی برای اثبات این امر در اختیار ندارد. این گزارش اغراق آمیز به نظر می‌رسد و بی اعتبار است.

از سوی دیگر، شبکه ولتر درباره گزارشات ویژه‌ای که در این چند روز گذشته در رسانه‌های فرانسوی منتشر شده است، می‌گوید: یک هفته پس از اشغال محله شورشیان، و در حالی که تنها درگیری‌های مختصری در داخل شهر ادامه داشته، گزارشگران هم چنان اصرار دارند صحنه‌های تخیلی انقلابی ترسیم کنند، و با استتار کردن حقیقت در اذهان عمومی، به آلن ژوپه فرصت کافی بدهند که به شکل سری برای آزاد سازی زندانیان فرانسوی مذاکره کند.

۱۷ فوریه، نیکلا سارکوزی و دیوید کامرون یک بیانیه مشترک به امضا رساندند. در این بیانیه می‌توانی مجملات زیر را بخوانیم:

«فرانسه و انگلستان یادآور می‌شوند که افرادی که مسئول خشونت در سرتاسر سوریه بوده‌اند، نباید تردید داشته باشند که روزی فراخواهد رسید که باید پاسخگوی اعمال خود باشند. فرانسه و انگلستان با قاطعیت تأکید می‌کنند که به

شیوه‌ای عمل خواهند کرد که مدارک و شواهد مرتبط به جنایات جمع آوری شده و افرادی که مسئول آن بوده اند مورد بازجویی قرار گیرند. »

جنگ سرّی رئیس جمهور نیکلا سارکوزی و دولت او عملی بی سابقه در پنجمین جمهوری بوده، و چنین عملی ماده ۳۵ قانون اساسی را نقض کرده و در نتیجه قضاوت در مورد این جرم بر اساس ماده ۶۸ به عهده دیوان عالی خواهد بود.

پانوشت

۱ - (این سرویس تحت نظارت وزارت دفاع فرانسه عمل می کند

DGSE

La Direction générale de la sécurité extérieure

گاهنامه هنر و مبارزه

24 فوریه ۲۰۱۲

ترجمه توسط حمید محوی

جنگ سرّی فرانسه علیه مردم سوریه

شبکه ولتر

چلبی‌های نوکر صفت ایرانی را بشناسید



از راست به چپ، نفر دوم محسن سازگارا در کنار جورج بوش و نفر چهارم، منوچهر محمدی

خود فروختگان ایرانی را بشناسید. اینها همان کسانی هستند که به ندای "جامعه جهانی" و "دخالت بشردوستانه" نوع لیبیائی، عراقی، افغانی.... لیبیک گفته‌اند. سازگارا و علیرضا زاده نماینده بخشی از اپوزیسیون خود فروخته ایرانیست که امیدشان به سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی توسط امپریالیست آمریکاست و با دریافت کمک مالی از اجانب به فعالیتشان ادامه می دهند. این مزدوران وطن فروش را افشا و طرد کنید.

سازگارا در پاسخ به یکی از معترضان به وی که پرسیده بود عکس خود با دیکتاتور سابق آمریکا (جورج بوش) را چگونه توجیه می کنید و به نظر می رسد شما از جنبش برای رسیدن به اهداف شخصی خود استفاده می کنید، گفت: « به جرج بوش برای جمع آوری آرشيو فعالان دموکراسی کمک خواهم کرد! »

کردهای خودفروخته در محضر جرج بوش



عکسی برای یادگیری در تاریخ

گردن کج و نوکرمنشانه
عبدالله مهنتی
در مجلس سنای آمریکا
در ضمن مقایسه ژست مصطفی هجری
با پافرونده در سروشهای صمد
پادشاهان ابرو

عبداله مهتدی رهبر حزب کومله کردستان و آقای هجری رهبر حزب دموکرات کردستان ایرانند. این احزاب از اشغال عراق توسط امپریالیست آمریکا دفاع کردند و بعد از چندی به درگاه جرج بوش تشریف فرما شدند و از طرح تجاوز نظامی به ایران حمایت خود را اعلام داشتند. حساب این نوکران اجنبی را باید از خلق جدا نمود و آنها را رسوا و منزوی ساخت.

* * * * *

علیرضا نوری زاده، خبرنگار خود فروخته ضد ملی



علیرضای نوری زاده، خبرنگار "آزاد" و مفسر بنگاه دروغ پراکنی امپریالیست آمریکا که سالهاست در درگاه عمو سام خدمت کرده و نان و نمک خورده است تئوریزه کننده تجاوز نظامی به ایران و ملل منطقه است. افشای چهره چنین کسانی که برای لقمه نانی به خدمت استعمار درآمده و از دریوزگی و نوکری برای اجانب فضیلتی ساخته‌اند وظیفه تعطیل نشدنی همه انسان‌های بیدار وجدانیست که برای ایرانی دموکراتیک، آزاد و مستقل می‌رزند.

علیرضا نوری زاده، مشوق تجاوز نظامی به ایران و حامی سیاست راهبردی امپریالیست‌های غربی و در رأس آن آمریکاست:

۱ - علیرضا نوری زاده خبرنگار، و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه و جهان عرب!! و ژورنالیست همه فن حریف، در بعد از پیروزی ناتو در لیبی در مصاحبه با صدای آمریکا می‌گوید:

« ما می‌بینیم که مردم لیبی به نیروی دموکراسی خواه و نظامی ناتو اعتماد کردند، و روز رهایی از رژیم سفاک قذافی را دیدند، اگر چنین نمی‌شد مطمئنم که قذافی هم چنان بر مسند قدرت می‌ماند... مردم ایران و تمام مردم کشورهای تحت سلطه دیکتاتوری باید به ناتو خوشامد گفته و ورود آنها برای رهایی از دیکتاتوری حاکمان خود را به فال نیک بگیرند..... »

۲ - علیرضا نوری زاده بعد از بمباران و اشغال افغانستان توسط آمریکا در مصاحبه با صدای آمریکا گفت: « این همه هیاهو در مورد کشتار افغانستان توسط آمریکا و نیروهای متحد سخن می‌رود. اما مقایسه کنید با مرگ و میر و کشتار در افغانستان توسط طالبان. در بمباران ناتو تاکنون ۵۰۰ نفر کشته شدند اما در طول حکومت طالبان بیش از ۵۰۰۰۰ نفر زن و مرد و پیر و جوان جانباختند. اقدام جامعه جهانی در پیشگیری از تروریسم و رهانیدن ملت افغانستان از بند رژیم طالبان اقدامی مثبت است... ».

۳ - حضور علیرضای نوری زاده در کردستان عراق و تعریف و تمجید از اولین انتخابات پارلمانی در عراق اشغالی، وی در مصاحبه با صدای آمریکا گفت:

« آرزوی چنین انتخابات دموکراتیکی برای ملت ایران را نیز داریم. دوران دیکتاتورها به سر آمده است.... »

وی بیش‌رمانه از سیاست جرج بوش و جمهورخواهان و تجاوز به عراق دفاع نمود و به توجیه فجایع عراق پرداخته است و هنوز هم چنین سیاست بیش‌رمانه‌ای را ادامه می‌دهد.

علیرضا نوری زاده اکنون به عنوان گُررهبری کننده و خط‌دهنده خبرنگاران ایرانی و مدافع خط تجاوزکارانه امپریالیسم و صهیونیسم به سوریه و ایران است و دست در دست دیگر خودفروختگان و فریب خوردگان سیاسی به دنبال تشکیل آلترناتیوی ضد ملی و استعماری است. روزی سر از پاریس در می‌آورد و به ریسمان فرمانده فراری رژیم

اسلامی، مدحی مأمور جمهوری اسلامی آویزان می شود، روزدیگر در لندن و روزی در استکهلم پایتخت سوئد ظاهر میشود.....

وی این روزها به همراه محسن سازگارا، مخملباف و دهها شخصیت بی هویت راست ارتجاعی یکی از مدعین کنفرانس دو روزه "اتحاد برای دموکراسی" در استکهلم مورخ ۴ و ۵ فوریه بود که از سوی بنیاد اولوف پالمه به طور محرمانه تدارک دیده شد. طبق اطلاعیه مرکز بنیاد اولوف پالمه در این کنفرانس نمایندگانی از احزاب سیاسی (بخوانید تجزیه طلب، سلطنت طلب و لیبرال و امضا کنندگان فراخوان ۱۷۵ نفری "ضد جنگ" بیانیه دفاع از آمریکا" - توفان)، دانشگاهیان، ژورنالیستها، نویسندگان، فعالان حقوق زنان و فعالان دیگر از جوامع ایرانی در خارج از کشور شرکت داشتهاند. آقای نوری زاده این بارنیز بوی کباب به مشامش رسید و همراه با یارانش به دنبال آلترناتیوسازی برای دخالت "بشردوستانه" امپریالیستها در ایران، در این جمع شرکت داشته است. این محافل خود فروخته سیاسی به دنبال تشکیل کنگره ملی نوع لیبی و عراقی و سوری هستند تا به عنوان آلترناتیو خیانت ملی انجام وظیفه نمایند. همان طور که حزب ما بارها تأکید داشته است، مبارزه‌ای مترقی و قابل دفاع است که علاوه بر پیکار علیه استبداد مذهبی جهت گیری ضد امپریالیستی و ضد استعماری و ضد صهیونیستی نیز داشته باشد، در غیر این صورت چنین مبارزه‌ای پیشیزی ارزش ندارد، کاسیکاری سیاسی و درغلتیدن به دامن ارتجاع بین‌المللی و دشمنان ملت ایران و ملل منطقه است. عناصر فریب خورده‌ای نیز با نیت و قلب پاک در این محافل شرکت دارند اما در هر حال عملشان در خدمت منافع دشمنان ملت ایران است، چه بخواهند و یا نخواهند. دشمنی با ملت ایران فرجامی جز پشیمانی و سرافکندگی نخواهد داشت.

سخن هفته

نقل از فیسبوک توفان

هفتم فوریه دوهزار و دوازده میلادی

مبارزه طبقاتی در یونان شدت یافته است



علیرغم اعتراضها در یونان، امروز دوشنبه ۱۳ فوریه، پارلمان این کشور به طرح‌های ریاضت اقتصادی دولت یونان رأی داد. روز یکشنبه ۱۲ فوریه، قریب به ۱۰۰ هزار نفر در مقابل پارلمان دست به تظاهرات زدند و خشم و نفرت خود را به سیاست ریاضت اقتصادی دولت ابراز داشتند. بعد از ساعت‌ها بحث در پارلمان سرانجام تصمیم گرفته شد که حداقل حقوق را به ۲۲ درصد کاهش دهد، یعنی از ۷۵۰ یورو به ۶۰۰ یورو و همین طور بیمه بیکاری را از ۴۶۰ یورو به ۳۶۰ یورو تنزل دهد. طبق تصمیم پارلمان بیش از ۱۵۰۰۰ کارمند دولتی در طول چهارماه اخراج و در یک دوره چهارساله بیش از ۱۱۵۰۰۰ نفر از کار برکنار خواهند شد. همین طور قرار شد ۱,۱ میلیارد یورو در بخش حقوق بازنشستگی صرفه جویی گردد.....

دیگته صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به دولت یونان و ادامه خصوصی سازیها، اخراج سازیها و صرفه جویی‌های عریان خشم کارگران و زحمتکشان و عموم مردم یونان را برانگیخته است. دولت سرمایه‌داری یونان به عنوان نماینده بورژوازی بین‌المللی و مجری اوامر سیاست‌های نئولیبرالی گوشش به اعتراضات مردم بدهکار نیست و می خواهد بحران کنونی را از طریق دزدیدن باقی مانده معیشت کارگران و زحمتکشان حل کند. هم زمان بورژوازی امپریالیستی اتحادیه اروپا تبلیغات جعلی و دروغینی در مورد "تنبلی و مفت خوری" مردم یونان، نپرداختن مالیات به دولت و سطح نازل سن بازنشستگی... به راه انداخته است تا مردم یونان را مسبب این نابسامانی و بحران جلوه دهد. پرولتاریا و زحمتکشان یونان راهی جز ادامه نبرد خیابانی و اعتصابات سراسری و تعرض به تمامی جناح‌های بورژوازی ندارند. راه حل خروج از بحران یونان سوسیالیسم است. سوسیالیسم است که انسان و نه سرمایه را در مرکز جهان قرار داده، برای رفاه و آینده انسان جامعه را با برنامه ریزی بنا می کند

افزایش تسلیحات از ترس کیست؟



در عرصه جهانی بیش از گذشته برای تسلیحات هزینه می شود. این افزایش تسلیحات از ترس کیست؟ ترس از مردم در ممالک خودی و ترس از رقبا در خارج از ممالک خودی است. این تسلیحات برای حمایت از سودجویی و حفظ منافع راهزنانه و بهره کشانه برای حراست از بی عدالتی و فقر در جهان است. این تسلیحات برای حفظ کسب سود حداکثر در جهان صورت می گیرد. مؤسسه جهانی صلح در استکهلم در آمار خود اعلام کرد که در رأس این ممالک کشور آمریکا قرار دارد که هزینه تسلیحاتش به ۵۵۰ میلیارد دلار رسیده است.

کل هزینه تسلیحاتی در جهان به مبلغ ۱/۳۴ بیلیون دلار می رسد. این خبری است که مؤسسه صلح جهانی استکهلم در تاریخ ۲۰۰۸/۰۶/۰۹ منتشر کرده است. بر طبق همین گزارش افزایش درصد تولید تسلیحات در سال ۲۰۰۷ نسبت به سال ۲۰۰۶ شش درصد و نسبت به سال ۱۹۹۸، ۴۵ درصد افزایش نشان می دهد. تقریباً ۴۵ درصد کل تسلیحات دنیا مربوط به کنسرن های اسلحه سازی آمریکاست. از زمان جنگ افغانستان و عراق به بهانه مبارزه علیه تروریسم ۵۹ درصد بودجه نظامی آمریکا افزایش یافته است. دولت آلمان که در ردیف ششم قرار دارد ۲۳/۷ میلیارد یورو از بودجه خود را هزینه تسلیحات می کند. بعد از آمریکا با بودجه ۵۴۷ میلیارد دلاری تسلیحاتی به ترتیب انگلستان، چین و فرانسه قرار می گیرند که یک دهم بودجه تسلیحاتی آمریکا را برای مخارج تسلیحاتی و تولید اسلحه صرف می کنند. این ارقام سرسام آور حاکی از فقر مردم و پول های بی پشتوانه ای است که در بازار مالی در جریان است. هر چقدر تولید تسلیحاتی افزایش یابد، یا در انبارها ذخیره می شود و یا دود شده به هوا می رود و یا توسط ممالک تحت سلطه خریده می شود که درآمد ملی آنها را کاهش داده و به جیب کنسرن های تسلیحاتی سرازیر می کند. هم اکنون کسر بودجه دولت آمریکا در این مدت به مبلغ ۲/۷ بیلیون دلار رسیده است.

همین وضعیت تقریباً در زمان جنگ ویتنام پیش آمد. امپریالیسم آمریکا به قدری دلارهای بی پشتوانه به بازار ریخته بود که هر آن واهمه داشت از این که مردم به بانک ها هجوم آورند و معادل دلارهایشان طلب طلا کنند. این مقدار ذخیره طلا در بانک های آمریکا وجود نداشت. در سیستم "برتن وودز" بعد از جنگ جهانی، دلار ارز جهانی، وسیله مبادله جهانی به حساب آمد و معادل طلای آن تعیین شده که در ذخایر بانک های آمریکائی محفوظ بود. جنگ ویتنام که کالاهای تسلیحاتی را به بازار ریخته بود و کمر دلار را شکسته بود، دولت نیکسون را وادار کرد دلار را شناور اعلام کند و آن را از طلا جدا نماید. به این ترتیب مخارج جنگ ویتنام که همان بی ارزش شدن دلار بدون پشتوانه بود عملاً به گردن همه صاحبان دلار در جهان افتاد. هر کس دلار بی پشتوانه ذخیره کرده بود عملاً به طور غیر مستقیم و نامرئی در جنگ ویتنام شرکت کرده و مخارج جنگ را تأمین نموده بود. این وضعیت طبیعتاً مورد رضایت رقبای آمریکا نبود. هم اکنون نفت عربستان سعودی عملاً پشتوانه دلار آمریکاست زیرا با قراردادهای دو جانبه، عربستان سعودی مجبور است که نفت را با ارز دلار خرید و فروش کند و ممالک جهان را وادار کند برای خرید نفت به ذخیره و پرداخت دلار بپردازند. همان دلاری که فاقد پشتوانه است. جدا کردن ارزش نفت از واحد پول دلار و روی آوردن به واحد ارزی یورو برای امپریالیست آمریکا کمر شکن بود و هست. به هر صورت جنگ و فروش تسلیحات زمینه بحران وحشتناکی را آماده کرده است.

این وضعیت وحشتناکی است که میلیتاریسم آمریکای امپریالیستی در جهان ایجاد کرده است و با دلارهای بی پشتوانه خود به غارت نامرئی جهان مشغول است. تنها با مرگ امپریالیست ها می توان جهانی را از لوٹ وجود آنها آسوده ساخت.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا این بزرگ ترین تروریست دولتی جهان!

نمونه‌ای از چاقوکش‌های دولتی مصر



نمونه‌ای از چاقوکش‌های دولتی مصر که در حال لت و پاره کردن یکی از فوتبالیست‌ها می‌باشد. روز چهارشنبه گذشته همین لمپن‌ها هفتاد و پنج نفر را کشته و هزار و سیصد نفر را زخمی کردند تیم فوتبال شهر پور سعید مصر نقش اصلی را در اشغال سفارتخانه صهیونیست‌ها و اخراجشان از مصر به عهده داشتند ژنرال‌های مزدور مصری برای رضایت دولت فاشیستی اسرائیل این جنایت را در حق مردم پور سعید مرتکب شدند اما دامنه مبارزات مردم گسترده تر شده است بنا به گزارش روزنامه الاهرام در تاریخ ۲۲-۱۲-۲۰۱۱ یکصد و چهل و هشت هزار و هفتصد نفر از سفارت آمریکا حقوق دریافت می‌کنند تا دموکراسی آمریکائی را در مصر نهاده‌اند که شعبان بی مخ فوق دارد با خنجر دمو کراسی مورد نظر آمریکا و اسرائیل را نهاده‌اند می‌کند. بدون شک ملت مصر با سابقه طولانی مبارزاتی خود هم کارچاق کن‌های دموکراتیک آمریکا و هم ابزار دست سیاسی اخوان المسلمینی آمریکائی‌ها را ساقط خواهد کرد. آن روز دیر نیست.



ضربات پی در پی بر پیکر اشغالگران در عراق



عکس‌هایی که مشاهده می‌کنید متعلق به سربازان آمریکائی در عراق است که آسیب دیده و بنا به گزارشی که در سایت کهنه سربازان آمریکائی آمده تعداد این گونه سربازان **چهل هزار** نفر است که برای بهبود و ترمیم جسمشان به ششصد بلیون دلار نیاز است ، برای این که حجم زیان‌های وارده به ارتش آمریکا روشن شود من خلاصه آمار سربازانی که در جنگ شرکت کرده و آسیب دیده‌اند در اینجا می‌نویسم تا همگان متوجه شوند که مقاومت ملی در عراق از چه سازماندهی و توانائی‌های بسیار عظیمی در عرصه جنگ چریکی و سازماندهی تدارکات برخوردار بوده است. در اوائل اکتبر سال ۲۰۰۷، تعداد ۵۶۴۷۶۹، نفر از مجموع ۱۶۴۱۸۹۴، نفر ارتش آمریکا برای دو بار یا بیشتر به عراق فرستاده شدند، و در همین تاریخ ۷۵۰۰۰، سرباز به علت زخمی شدن، از کارافتادگی و کشته شدن از میدان کارزار به بیرون پرتاب شده و از ارتش اخراج شدند، در این دوره پنتاگون مجبور شد به جای اینان نیروهای احتیاط به کار گرفته، و حقوق آنان را به مقدار بیست و هشت درصد اضافه کند و حقوق نیروهای ویژه‌ای که در میان اینان بودند نیز افزایش دهند. آمار فوق از کتاب جوزف استینگلتز و لیندا بلمز: "جنگ سه تریلیون دلاری" صفحه نود و هشت چاپ ۲۰۰۹، برگرفته شده است. باز، بنا به گزارش جیمس بیکر و لی همیلتون در مورد گسترش عملیات چریکی گاهی تا روزانه هزارمورد به سربازان آمریکائی حمله مسلحانه انجام می‌گرفت. این آن راز سر به مهری است که آمریکا را به شکست نظامی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی دچار و سرانجام باخت شبانه گورشان را از عراق گم خواهند کرد. درود بیکران به ملت قهرمان عراق که توانست با فداکاری عظیم وطن خود ضربات سهمگینی بر پیکر اشغالگران وارد سازد و درسی شرافتمندانه به همه آزادی خواهان بدهد که عنصر تعیین کننده برای آزاد زیستن همانا انسان است و نه میلیتاریسم و تکنولوژی..

توفان شماره ۱۴۴ اسفند ماه ۱۳۹۰ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahettoufan67.blogspot.com](http://rahettoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توییتر دیدن کنید.



خجسته باد ۸ مارس روز جهانی زن!